

نقد و بررسی کتاب گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی قبل از عصر صفوی

سخنرانان:

محمد رضا سنگری

اکرم کرمی

مالک شجاعی

دبیر نشست: مالک شجاعی

چهارشنبه 9 اسفندماه 1402

ساعت: 10 تا 12 سالن ادب

معرفی کتاب :

• کتاب گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی قبل از عصر صفوی در پنج فصل به نگارش درآمده است. پژوهشگر در فصل اول به تحلیل تاریخ شعر شیعی از ابتدای شعر فارسی تا قرن نهم می‌پردازد و سعی می‌کند در اثنا آن تعریفی از شیعه، شاعر شیعی، شعر شیعی و چیستی و چرایی نام‌گذاری آن و معرفی شاعران شیعی با اهتمام به معرفی شاعران کمتر شناخته‌شده شعر شیعی نظیر افچنگی، جلال جعفری فراهانی، حمزه کوچک ورامینی، امیرشاهی سبزواری، شهاب سمنانی، نصرت رازی، نجم محتاج، ابن کمال فارسی، سید علی سبزواری و ... بپردازد.

• پژوهشگر در فصل دوم، ابتدا به بیان نظریاتی در حوزه انواع ادبی می‌پردازد و در ادامه شعر شیعی قبل از عصر صفوی را به دلیل غنای محتوایی و تنوع قالب‌های شعری در انواع متنوع ادبی نظیر «غدیریه»، «ساقی‌نامه»، «ترجمه سروده»، «سلام‌نامه»، «صلوات‌نامه»، «فتوت‌نامه»، «لعن‌نامه»، «وفات‌نامه»، «سوگندنامه»، «مناقب‌نامه»، «حماسه دینی» و «مرثیه» معرفی می‌کند.

• پژوهشگر در این فصل اشاره دارد که طبقه‌بندی شعر شیعی در قالب انواع ادبی بر شناخت جریان شعر شیعی تأثیرگذار است و منجر به دست‌یابی به اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، دینی، جامعه‌شناختی، عرفانی و ... شده و پژوهشگران را در شناخت تفکر شیعی یاری می‌رساند. برای نمونه حضور و ظهور شعرای متعدد و مناقب‌خوان شیعی و نیز وجود انواع متنوع در شعر شیعی

در قرن نهم، نشان می‌دهد که بهار شعر شیعی در عصر صفویه نیست، بلکه باید شکوفایی آن را پیش از عصر صفوی جست.

• پژوهشگر در فصل سوم، به تحلیل ساختاری و محتوایی پربسامدترین نوع ادبی پیشا صفوی به نام «ولایت نامه» می‌پردازد. این نوع ادبی مبتنی بر کرامات و معجزات حضرت علی علیه‌السلام در قالب قصیده و داستان محور است. معمولاً ولایت نامه‌ها توسط نقالان یا خود شاعران در کوی برزن خوانده می‌شد و مخاطبین این نوع ادبی، مردم عامه بودند. این نوع ادبی از نظر زبانی ساده و واژگان آن به زبان مردم عامه نزدیک است.

• پژوهشگر در فصل چهارم، تعدادی از ولایت نامه‌ها را از نسخ خطی و مجموعه اشعار شیعی تصحیح کرده و در اختیار مخاطبان قرار داده است. اهمیت این بخش، تصحیح ولایت نامه‌ها از مجموعه‌های شعری شیعی کهن است.

دکتر مالک شجاعی:

بسم الله الرحمن الرحيم ، سلام عرض می‌کنم محضر همه بزرگواران اساتید و پژوهشگران و علاقمندان به حوزه مطالعات سیره پژوهی به ویژه شیعه پژوهی از منظر ادبیاتی که حول این گفتمان فکری و فرهنگی شکل گرفته است ممنون هستم که دعوت ما را در این شرایط در این سرما و دشواری آمد و شد پذیرفتید دعوت مرکز تحقیقات امام علی (ع) ما خودمان هم مهمان هستیم و میزبان اصلی مرکز تحقیقات امام (ع) هست در پژوهشگاه علوم انسانی که از سال 1380 به همت دوستان و مدیران و کارکنان این مرکز فعالیت های خوبی را داشت و بنده هم به عنوان عضو کوچک این مجموعه افتخار دارم در حال همکاری با دوستان هستم. از مهمان های گرامی برنامه که در اهل سخنرانی خدمت شان هستیم استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد رضا سنگری عزیز که واقعا یکی از افتخارات حوزه ادبیات پایداری و حوزه ادبیات عاشورایی و آیینی هستند بنده از کتاب های درسی که جای خود دارد که اسم آقای دکتر را همیشه می بینیم و کتاب های ادبیات فارسی خوب ایشان نقش آفرین بوده اند در حوزه تألیف کتب درسی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی و بعدها هم در حوزه ادبیات آیینی در حوزه جایزه جلال آل احمد در حوزه های ادبی عاشورا پژوهی و نمی

دانم اگر درست نمی گویم تصحیح بفرمایند؛ یک کتابی دو سه سال اخیر شاید منتشر شد کتاب اربعین مرثیه که فوق العاده است، یک اتفاق هست در حوزه ادبیات آیینی؛ بنده ریا نشود با این کتاب احوال خاصی داشتم در سوگواری حضرت اباعبدالله (ع) در اربعین مرثیه که در واقع اشعار عاشورایی و عمدتاً بعد شخصیت و سیره حضرت اباعبدالله (ع) به انتخاب درست می گویم؟ به گزین شده است و به نظرم این اتفاق در تاریخ ادبیات آیینی ما کم نظیر است و خیلی کم هست و آقای دکتر تصریح می فرماید یا کتاب سیب و عطش که در واقع در حوزه نثر عاشورا و از مجموعه شعر خود آقای دکتر هست آثاری که در حوزه کتاب درسی ادبیات پیش دانشگاهی و دبیرستان زحمت کشیدند کتاب از نتایج سحر که پیرامون تحلیل شعر انقلاب اسلامی هست و انقلاب اسلامی و شعر و ادبیات انقلاب اسلامی یکی از حوزه هایی است که آقای دکتر در آن نقش آفرین بوده اند و معاصرین ما باید قدر زحمات آقای دکتر را بدانند. یک جرعه تشنگی، سلام موعود یا سلام بیان تحلیلی توصیفی زیارت ناحیه مقدسه، اربعین مرثیه، نقش آفرینی که آقای دکتر داشتند در حوزه رمان های انقلاب اسلامی کار خوبی که چند وقت پیش از ایشان خواندم رمان آقای امیر خانی که البته قبلاً منتشر شده است و آقای دکتر در حوزه داوری و نقد ادبی هم در جایزه کتاب مقدس در جایزه جلال آل احمد در جایزه کتاب سال عاشورا یا داور بوده اند یا دبیر بودند یا مدیر بوده اند یا آثار ارزشمند خودشان در مقاطع مختلف کتاب سال جایزه گرفته است شایسته تقدیر هست و نقد و پژوهش در سیزدهمین جایزه قلم زرین بوده اند و برگزیده کتاب سال دفاع مقدس و شایسته تقدیر در کتاب سال رضوی. در مورد ایشان هم برنامه هایی تحت عنوان سومین عصر هنر انقلاب بزرگداشت مقام فرهنگی و علمی ایشان برگزار شده و بزرگان و فعالان این حوزه به خوبی کارنامه استاد را بررسی کردند در طرح چهل قدم هم که به مناسبت چهل سالگی انقلاب در سال 1397 اجرا شد آقای دکتر از افرادی بودند که تقدیر شدند و بهر حال جامعه علمی و فرهنگی ما باید قدر کسانی مثل جناب دکتر سنگری را بیشتر از اینها بدانند از یک جهت که خارج از آکادمی هستند از یک جهت البته قابل تأمل هست که چرا باید خارج از آکادمی باشند. من دیگر این را باز نمی کنم چون به اندازه کافی غر غر و نقد کردم. امروز بهانه ما نقد و بررسی کتاب ارزشمندی است که خانم دکتر اکرم کرمی که خودشان از دانشوران در حوزه ادبیات هستند دانش

آموخته دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس هستند و دوره پست دکتری شان هم در پژوهشگاه علوم انسانی با خانم دکتر پارسا پور به اتمام رسید و انصافا فعال و پرکار هستند که این آخرین کاری که از ایشان منتشر شده است همین کتاب گونه شناسی ادبیات منظوم شیعی قبل از عصر صفویه که در واقع 400 صفحه حدودا کتاب هست و انتشارات خوشنام امیر کبیر منتشر کرده است و ما این افتخار را داریم که در ایام شعبانیه که در حال و هوای آن هستیم و فاصله نگرفتیم در آستانه ورود ماه ضیافت در مرکز تحقیقات امام علی (ع) افتخار داریم در خدمت خانم دکتر و آقای دکتر سنگری هستیم ده تا 12 دقیقه اول خانم دکتر درباره ایده کتاب و اینکه چطور شکل گرفت زمینه کاریشان و آورده شان به زعم خودشان آورده ای که ایشان در حوزه ادبیات منظوم شیعی و شیعه پژوهی دارند چی هست و جای چه خلاء ی را احساس می کردند در حوزه ادبیات شیعی که به این کتاب مبادرت ورزیدند و نوشتند در بخش دوم بین 20 تا 25 دقیقه در خدمت جناب استاد دکتر سنگری خواهیم بود دوباره برمی گردیم و ملاحظات خانم دکتر را می شنویم و اگر پرسش و پاسخی دوستان داشتند. من یک بخشی از کتاب جاودانه استاد جناب دکتر محمد رضا حکیمی را آورده بودم که کتاب ادبیات و تعهد در اسلام است؛ من خودم اگر چیزی در باب ادبیات شیعی بدانم از استاد حکیمی یاد گرفتم اگر بدانم، قطعاً که فاعلیت فاعل درست بوده است کارش قابلیت قابل را باید بررسی کرد. در خدمت خانم دکتر کرمی هستیم ضمن اینکه از ایشان هم تشکر می کنم به جهت حضورشان و همکاری ارزشمندشان از بزرگوارانی هم که در جلسه حاضر هستند صمیمانه سپاسگزارم.

خانم دکتر اکرم کرمی:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ با عرض سلام و ادب خدمت مهمانان عزیز و استادان گرامی و با تشکر از جناب آقای دکتر شجاعی و همچنین جناب آقای دکتر سنگری، خیلی خوشحال هستم که امروز در خدمت شما بزرگواران هستم و در مورد یکی از کارهایی که نمی توانم به قطع بگویم که کار تحقیقی محض بوده است بلکه مشق کردم تحقیق کردن را و مسیری را با استادان آمدم. قبل از اینکه در مورد کارم توضیح دهم خیلی ممنون هستم از مرکز تحقیقات امام علی (ع) که این اجازه

را داد تا در مورد این کتاب جلسه ای برگزار شود و همچنین از جناب دکتر سنگری تشکر می کنم که پذیرفتند وقت بگذارند و این کتاب را مطالعه کنند. نقد کتاب دو فایده اصلی دارد یک فایده اش این هست که محقق به ضعف های خودش آگاه تر می شود و در مسیر تحقیق سعی می کند ضعف ها را برطرف کند و تحقیق های آینده خودش را با نگاهی جامع تر انجام دهد و فایده دوم هم این است که کتاب به مخاطبین و علاقمندان به آن حوزه معرفی می شود و نقاط مثبت اش بیان می شود. پس از این نظر خیلی خوشحال هستم که در خدمت شما و در این جلسه هستم. کتاب گونه شناسی ادبیات منظوم شیعی قبل از عصر صفوی؛ به واقع اگر بخواهم بگویم نتیجه محبت امیر المؤمنین علی (ع) هست. من سال 1385 دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی شدم از سال 1386 تحقیق خود را در حوزه ادبیات عاشورایی آغاز کردم و در این راه خانم دکتر پارسا پور همراه من بودند ایشان استاد مشاور من شدند و از سال 1386 تا این لحظه که در خدمت شما هستم همه تحقیق ها و همه کارها و سخنرانی هایی که انجام دادم در حوزه ادبیات آیینی بوده است تقریباً با سکوت و بدون سر و صدا و آروم کار کردم. من وقتی که مقطع ارشدم تمام شد دوست داشتم که در مورد امیر المؤمنین بیشتر کار شود و کتاب ها را دیدم حقیقتاً در اواخر دهه 80 خدمت شما عرض کنم که کتاب هایی که آن زمان بود خیلی جنبه تحلیلی نداشتند در حوزه امام علی (ع) و اصلاً در حوزه ادبیات دینی کتاب های تحلیلی نبود. کتاب ها بیشتر جنبه گردآوری داشت، مثل دانشنامه شعر عاشورا مرضیه محمد زاده و یا آثاری که آقای مجاهدی داشتند و کتاب هایی شبیه به این، بخصوص موضوعی که من کار می کردم عرفان در ادبیات عاشورا بود جز یکی دو تا علما در بخش هایی از کتاب هایشان مثلاً به عرفان عاشورا اشاره کردند یا دو مقاله که دو یا سه مقاله که بسته و گریخته به این مسئله اشاره کرده بودند چیزی نبود. من تصمیم گرفتم در حوزه امام علی (ع) کار کنم از بعد از اینکه از سال 89 شروع کردم و یک طرحنامه ای نوشتم با عنوان دانشنامه شعر علوی و شروع کردم به کار. اون زمان پورپزال من هیچ جا به خاطر اینکه هزینه داده شود تصویب نشد و حقیقت من دیدم خوب حالا تصویب نشد من که نمی توانم علاقه خودم را کنار بگذارم و احساس می کنم رسالتم هست. من کار کردم تا زمانی که دکتری قبول شدم از آن زمان تصمیم گرفتم رساله دکتری خودم را در حوزه امام علی (ع) تدوین کنم. وقتی من تا سال 93 تمام اشعار علوی را جمع

آوری کردم متوجه شدم این اشعار از غنای محتوایی خیلی خوبی برخوردار است و جالب اینجا بود که تا قبل از قرن نهم اصلا ما فقط شعرایی را می شناسیم که مشهور هستند؛ بیشتر ناصر خسرو، قوامی، حسن کاشی و شعرای دیگری که من اسامی شان را پیدا کرده بودم یا اشعارشان را در نسخ خطی می دیدم نبود بعد وقتی که من تمام این ها را شروع کردم به تحلیل محتوایی خواندن؛ متوجه شدم بر خلاف آنچه همه می گفتند اصلا عصر صفوی نبود که منجر به تولید شعر شیعی شود بلکه شعر شیعی یک جریان خودجوش مردمی بود که از ابتدای شعر فارسی با کسایی با قوامی با ناصر خسرو شروع شده بود و شعرایی که در قرن هفتم بودند با رشادت تمام آن را ادامه داده بودند و به گونه ای ادبیات پایداری بود مقاومت مردم شیعه در برابر تاریخ سختی که پیش روی آن ها بود خوب بعد کم کم اشعار شعرای نسخ خطی هم به موازات کار من مرمت می شد کارهای مختلفی که انجام شد خود من هم تصحیح می کردم به شاعران گمنام زیادی برخورد کردم که شعر شیعی گفته بودند و نه تنها به مناقب امیر المؤمنین پرداخته بودند بلکه فضائل امیر المؤمنین گفته بودند و اشعاری بود که به صورت داستانی می آمدند بیان می کردند و دیدم غنایی محتوایی اش به من اجازه می دهد که من آنها را شعر شیعی گمنام به عنوان بخشی از شعر فارسی بیایم به جهت غنایی محتوایی و تعدد و اشتراکی که بسیاری از این محتواها با هم داشتند بیایم و آنها را به انواع مختلف ادبی تقسیم کنم. بعد از این خوب این تصمیم مسئله اصلی من در نگارش این کتاب این بود که شعر شیعی قبل از عصر صفوی وجود داشته و از قضا به یک شکوفایی هم رسیده است که جریان شعر شیعی قبل از عصر صفوی وجود داشته است به یک شکوفایی هم اتفاقا رسیده و بعد از عصر صفوی حالا رشدی پیدا کرده است و شکوفایی بی نظیرش از عصر صفوی است و تازه برای من جذاب بود که آنچه که قبل از عصر صفوی گفته شده بود سروده شده بود خالص و مخلصانه و سرشار از محبت بود که بعد از عصر صفوی این نکته اتفاقا کم رنگ بود یعنی من این نکته را کم رنگ تر می دیدم. اشعار در قبل از عصر صفوی بسیار ساده، روان و شاعر اصلا دغدغه وجه ادبی نداشته است فقط می خواست از شعر برای تبلیغ باورهای مذهبی تشیع استفاده بکند، شعر یک ابزاری بوده است؛ شعرا قبل از عصر صفوی بسیار غریب بودند. مکانی که اشعارشان را میخواندند خوب آنجا آیا در قبل از عصر صفوی ما جایگاهی داشتند؟ مکانی داشتند؟ خیر نداشتند مکانشان کوجه

بوده است یعنی آنها بیایند در دربار شعرشان را بخوانند و نقد شود خیر؛ شاعران ما نه تنها جایگاهی نداشتند هیچ، بلکه در مقابل شعرشان هم در قرن 6 یا 7 بخصوص در عصر غزنوی، سلجوقیان قبل از حکومت مغولان اینها در مقابل شعری که برای امیرالمؤمنین می گفتند نه تنها به ایشان جایزه داده نمی شد بلکه خوب زبانش بریده می شد و حتی به زندان می افتاد که ما در کتاب النقص از شاعری که زبانش را بریدند و از او به ابوطالب مناقبی بریده زبان یاد میشود. زبان هست یا جاهایی ما شاعری را میبینیم به نام حمزه کوچک اقطع زبان. وقتی من اینها را بررسی کردم 40 شاعری را پیدا کردم که الان شعر دارند و شعر هایشان زنده است و موجود است اینها شعرای شیعی قبل از عصر صفوی بودند. نکته ای که برای این تحلیلیم نیاز داشتم اینکه من به چه شاعری بگویم شاعر شیعی تعریف و چیستی شعر شیعی چی هست شاعر شیعی کی هست و در چه تاریخ و جغرافیایی این شعر را گفته است حقیقتا تمام کتاب هایی که آن زمان نوشته شده بود به اندازه وسع خودم گشتم؛ تعریف منسجمی پیدا نکردم از شعر شیعی؛ چون این رساله دکتری من بود چندین جلسه تشکیل شد اساتید دانشگاه تربیت مدرس بودند رای زنی هایی شد هرکدام از اساتید نظری دادند در نتیجه تعریفی که از شعر شیعی در این کتاب ارائه دادم را به عنوان یک تعریف نهایی قرار دادم هر چند که تعاریف در طول زمان می تواند نقض شود می تواند اصلاح شود می تواند دگرگون شود؛ یک تعریفی که دادم بر اساس آن شعر شیعی را تعریف کردم شاعر شیعی را هم آمدم دسته بندی کردم چون همه ی شعرایی که شعر برای امیر المؤمنین گفته بودند شیعه به معنایی که در حال حاضر ما مطرح می کنیم نیستند آن چیزی را که میشد در تعریف شعر شیعی بیان کردم اینکه که شاعر شیعی به بحث اصلیش تولی و تبری به امیر المؤمنین و دوستان و دشمنان ایشان است. مثلا ما شعرایی را داریم که می توانیم از آنها به عنوان محب اهل بیت نام ببریم یعنی امیر المؤمنین را دوست دارند؛ خلفای سه گانه را هم دوست دارند این میشه محب. شعرای به چند دسته تقسیم می شوند شعرای اسماعیلی، شعرای زیدیه و شعرای شیعیان 12 امامی حالا به غیر از اینها ما شعرایی را داریم که مدح حضرت علی (ع) را گفتند اما وقتی به اشعارشان رجوع می کنیم می بینیم مدح خلفای سه گانه را هم گفتند دیگر به اینها نمی گوئیم شاعر شیعی می گوئیم شاعر محب اهل بیت (ع). تقسیم بندی هایی در این کتاب انجام شد و بر اساس آن آمدم تحلیل ها را انجام دادیم.

من بر شاعران اسماعیلی، زیدیه و شعرای 12 امامی کار کردم؛ حالا این شعرا شاید بینشان 5 شاعر معروف بود. 40 شاعر معرفی شد که در جامعه ادبی ما اصلا آنها تاریخ ادبیاتش نبود یا خیلی کم رنگ بود اینها معرفی شد شعرهایش اگر که شاعر خیلی گمنام بود؛ مطلعی از آن شعرش یا قصیده بیان کردم به نسخه خطی ارجاع دادم. مهمترین نسخه خطی هایی هم که به من کمک کردند یکی جنگ 3538 دانشگاه تهران بود معروف به جنگ علی بن احمد که این جنگ را من به همراهی خانم دکتر پارساپور همزمان که داشتم کار رساله ام را انجام می دادم تصحیح کردیم که پارسال هم اینجا در موردش صحبت کردیم آن جنگ خیلی به ما کمک کرد. جنگ بعدی که به من کمک کرد 13609 کتابخانه مجلس بود جنگ بعدی سفینه عبدالطیف بیرجندی بود که این سفینه هنوز شاعران زیادی را می تواند به ما معرفی کند که بعد از عصر صفوی هستند یا در عصر صفویه هستند چون زمانش مشخص نیست تنها یک نسخه از آن مانده است اینکه ما بگوییم قبل از عصر صفویه یا بعد! من بیرجندی را در دوره پسا دکتری مطالعه کردم بیرجندی از شاعران خود عصر صفوی هست ولی در انتهای آن نسخه من شعری را دیدم از شاعرانی بعد از عصر صفویه حالا باید بررسی شود اگر مستندی پیدا شود که دو نسخه شود حالا آن بررسی جداگانه ای می خواهد و جنگ خزائن القصیده و جالب هست که جنگ خزانه الوسيله در دانشگاهی در یزد اسیر شده بود ولی تمام اشعار شیعی در حاشیه جنگ نوشته شده بود یعنی وقتی که شما بررسی می کردید می دیدید که خوب این شعرها همه غزل هستند پس این اشعار علوی کجا رفت حواشی آن نسخه را بررسی نکرده بودند تمام حواشی نسخه خزائن القصیده مدح ائمه معصومین هست و جالب هست که گونه ی کمتر شناخته شده وفات نامه در این نسخه برای من پیدا شد و من به جستجوی آن رفتم در این کتاب بعد از همه مراحل که طی شد ده گونه شعر شیعی معرفی شد مناقب نامه ها که خودش به سه دسته سلام نامه ها، صلوات نامه ها و لعن نامه ها تقسیم می شود و غدیریه ها، ولایتنامه ها و وفات نامه ها حماسه مذهبی و مرثیه ها، در فتوت نامه ها و ساقی نامه ها، از میان این انواع ادبی فتوت نامه ها و ساقی نامه ها قبل از عصر صفوی اصلا در ادبیات فارسی مطرح هستند مرثیه ها مطرح هستند اما نوع ادبی ولایت نامه و وفات نامه از نوعی بودند که در این کتاب معرفی شدند، یعنی بر اساس

مطالعه در شعر همان شعرای گمنام شیعی بدست آمدند که در یک فصل به طور ویژه ولایت نامه بررسی شد. اگر سؤالی هست بفرمایید .

آقای دکتر شجاعی:

خیلی ممنون ، مناقشات کلامی اصلا در باب تعریف کلام سال ها پیش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی یک کتابی را که حاصل یک پروژه ی طولانی آقای دکتر محمد صفر جبیلی درباره تطور کلام شیعه، اتفاقا کتاب خیلی خوبی هم هست سیری در تطور کلام شیعه بنده همان سال ها یک نقدی نوشتم چون مثل الان جوان و جاهل بودم تحت عنوان تاریخ کلام یا تاریخ نگاری کلامی ؟ در این نشست هایی که ما در مرکز امام علی (ع) داشتیم هر چه که ما جلوتر میرویم بیشتر به این میرسم که آن مناقشات کلامی اگر صورت بندی مفهومی درستی نشود مدام از هر منظری وارد شیعه پژوهی شویم دوباره با آنها مواجه میشویم . خود همین تعریف شیعه یا مؤلفه های شیعی، هویت شیعی که اتفاقا در آن مقاله هم که در آن مقاله ناظر به کتاب در جشنواره کتاب هم حساس شدم که خانم دکتر این تعریف را چون خود استاد جعفریان هم خیلی وارد بحث های کلامی نمی شود؛ بنده به عنوان یک دانشجوی فلسفه باید کتاب شما را عمیق تر بخوانم فعلا آنچه که به نظرم می رسد یک مقداری جای حک و اصلاح بیشتری دارد خود همین هست که می تواند پاشنه آشیل کار شما باشد ضمن اینکه نقطه قوتتان هم هست اصولا نقطه قوت ها پاشنه آشیل هم می شوند در کارهای جدی این یک مقداری تعریف همین محب را من به گمانم گفتمان شیعی معاصر حداقل با این مناقشه دارد که ما اینها را جزء محب بدانیم یا نه. البته در مورد اینکه آیا قبل از صفویه بوده یا بعد از صفویه، من فکر می کنم کسایی هم که می گویند صفویه منظورشان به عنوان نقطه اوج هست اما نکته ای که از شما خیلی خوب یاد گرفتم و محل تأمل هست اینه که شاید تعبیر من تند باشد اصلاح بفرمایید؛ گویی شعر شیعی در دوره صفویه بیشتر می رود به سمت اینکه با مناسبات قدرت و سیاست یک همانندی ها یا همگرایی هایی پیدا کند ولی خانم دکتر کرمی به ما می گوید که شما اگر به شعر قبل از صفویه مراجعه کنید چون این شبهه نیست شبهه فرمالیسم قدرت نیست اتفاقا

خلوص بیشتری را می توانید در اینها پیدا کنید ولو اینکه ممکنه به لحاظ فنی و نقد شعر و اینها آن امکان گفتگوها نبود.

آقای دکتر سنگری:

اعوذ بالله من الشيطان رجيم بسم الله الرحمن الرحيم سلام و صلوات الهی تقدیم به محضر همه ی پاکان، پاک بازان، پارسایان پارسی گستران و همه ی آنها که در حوزه ی اندیشه و خرد و تعالی ارزش های الهی و گسترش آنها تکاپو با روحیه عالمانه و عاشقانه و صادقانه دارند. صمیمانه قدردان و سپاسگزار این فرصت و این نشست هستم و از مرکز تحقیقات امام علی (ع) که این مجال را فراهم آورد و شخص حضرت عالی آقای دکتر شجاعی که اینقدر الحمدلله احاطه ی علمی دارند و نگاه همسو نگرانه که ما دریغا در روزگارمان اندک یاب است که چنین نگاه هایی که از حوزه تخصصی بیرون بزند و به ساحت های دیگر هم سرک بکشند که اینها وقتی بهم می رسند مجمع البحرین می شود و به هم سامان می دهد و به بالندگی و باروری همدیگر کمک می کند گریز از نگاه های محاط و حرکت به سمت نگاه محیط بسیار مهم است این نکته را که من مطرح کردم که سخن شگفتی است از وحشی قاتل حضرت حمزه؛ از وحشی سؤال کردند که تو چرا علی را نکشتی علی مهم تر از حمزه بود و نقش و جایگاهش را پیش از صحنه احد در بدر نشان داده بود و معلوم بود که جایگاهش نزد پیامبر بالاتر از حمزه است چرا علی را نکشتی؟ یک پاسخی داد که خیلی پاسخ مهمی است برای امروز ما گفت که حمزه محاط بود و علی محیط. حمزه وقتی در جنگ قرار میگرفت به یک بعد می پرداخت یعنی فقط مشغول آن بخش بود مثلا اگر در یسار می جنگید در سمت عمار یسار؛ مثلا اگر میمنه می جنگید فقط مشغول میمنه بود. اما علی نگاهش به تمام فضای جنگ بود. من چند بار از دور نیزه پرتاب کردم و موفق نشدم او جاخالی داد یعنی در عین حال که در جنگ بود به حاشیه های موضوع جنگ هم می پرداخت، این نکته نکته ی مهمی است که ما در هنگام پیوند خوردن و گره خوردن و پرداختن و پژوهش در یک حوزه مراقب باشیم که این با چه شاخه ها و عرصه ها و ساحت های دیگری هم پیوند دارد استحضار دارید مثلا دویست سال پیش بیش از دویست سال پیش وقتی علوم جدا شدند که البته آن موقع شاید ناگزیر از این شرایط

بودند اما امروز بعد از دو قرن درمی یابیم که یک پیوندی بین اینها وجود دارد و اگر این پیوندها را نیابیم در تحلیل خود تحلیل خواهید رفت و در تجزیه تجزیه می شوید یعنی به یک تجزیه و تحلیل دقیق و درست نخواهید رسید طبیعتا همه ی مقوله ها به هم پیوند دارند و امروز مباحث بینا رشته ای که بسیار بسیار جدی است و خانم دکتر کرمی هم گوشه چشمی به این موضوع و مسئله داشتند کمک ما خواهد کرد که اضلاع و ابعاد نایافته و گم گوشه ها و گم بوده ها را در این میانه ما پیدا بکنیم و به آنها بپردازیم پرداختن به ادبیات اجازه بدهید بگویم مظلوم شیعی (اینجا منظوم شیعی است) بگویم ادبیات مظلوم شیعی یک رسالت بزرگی است که امروز به عهده ی همه ی است اگر کسی کتاب های تاریخ ادبیات ایران را مطالعه کند کتاب هایی که خود ایرانیان نگاشته اند و یا اینکه دیگرانی آمده اند یعنی مستشرقین اونهایی که ما آنها را مستشرق می نامیم آمدند و پرداختند گویی نوعی تعمد در این کتاب های تاریخ ادبیات در شیعه زدایی وجود دارد من آمار نمی خواهم بدهم در اینجا والا آمارهایی هم دم دست هست که مثلا مگر شما کتاب تاریخ ادبیات در ایران دکتر صفا را پیش روی خودتان بگذارید با کمال شگفتی متوجه می شوید همین شاعرانی که هویت شیعی دارند وقتی معرفی می شوند شعری از آنها مطرح می شود که اتفاقا وجه شیعی ندارد من نمی دانم آیا واقعا مثلا تعمدی در این موضوع هست یا نه نمی خواهم حکم صادر بکنم و اینجا نمیخواهم تبدیل به محکمه باشد تا حالا کسی مثل ادوارد براون و کسان دیگری که تاریخ ادبیات ما را نوشتند و دیگرانی که در قسمت شرق سعی کردند که تاریخ ادبیات بنویسند همه اینها را می بینیم که از کنار شیعه راحت گذشته اند و به دیگر گونه و گاهی اوقات باز گونه مطرح کردند و این خوب رسالت ما را افزون می کند و به خصوص به طور طبیعی وقتی یک جایی اسمش مرکز تحقیقات امام علی (ع) باشد این انتظار بیشتری خواهد رفت که حالا از این داستان و مقوله ها بپردازند صرفا در حوزه نقد و بحث و تهیه کتاب نمی شود به اینها پرداخت؛ همین موضوع که بهر حال اندک چالشی را برانگیخت معلوم می شود نیازمند واقعا بحث است که ما معلوم می کنیم روشن می کنیم وقتی صحبت از شعر شیعی می کنیم کدام قلمرو و کدام گستره مورد نظر ماست کرانه های آن را دقیقا روشن و مشخص می کنیم برای ورود به این موضوع که من صمیمانه از خانم دکتر کرمی سپاسگزاری می کنم و امیدوارم که انشالله عزم شان جزم باشد برای ادامه این راه، یکی از ضعف

هایی که ما معمولا در فضاهاى دانشگاهى داريم و به خصوص من در رشته ادبيات اين را زياد مى بينم مثلا يك كسى مى آيد يا رساله اش را يا پايان نامه اش را انتخاب مى كند مثلا به يك موضوعى در قرن سوم تا هفتم يا قرن مثلا هفتم تا نهم و اگر كسى برود مى بيند پيش اينها و پس اينها همه وجود ندارد من گاهى وقتها فكر مى كنم آيا يك روزى اين اتفاق در دانشگاه هاى ما خواهد افتاد كه مثلا اگر ما مسئله اى را انتخاب كرديم كل اين دوره ي تاريخى را بيايم تقسيم بكنيم بين چند دانشجو فرض كنيد مثلا يك دانشجوى دكتري ما آمده مثلا گونه شناسى ادبيات منظوم شيعى قبل از عصر صفوى را گرفته است كه حالا خود اين عنوان نکته هاى دارد قبل از عصر صفوى يعنى کدام دوره؟ ما قبل از عصر صفوى يك دوره تاريخى داريم كه ما اين دوره هاى تاريخى با نشيب و فرازها و جزر و مدها و توليدات متفاوت ادبى و حتى فكرى و فرهنگى بوده اند اينكه تمام اين دوره را بگويم، حالا اگر بگويم قبل از عصر صفوى حالا مى رسيم به عصر صفوى كه هر چه جلوتر مى رويم ميزان توليدات ادبى ما افزون تر مى شود ما مى توانيم بگويم عصر صفوى مثلا حدود قرن دهم به بعد اين دوره چند برابر كل تاريخ پيش از خودش اثر دارد كه هنوز خيلى از اين آثار ناشناخته مانده اند اگر شما به كتابخانه هاى بزرگى مثل كتابخانه ي مرحوم آيت الله مرعشى در قم مراجعه بكنيد و من اصلا اطلاع دارم يك كسانى هستند نسخ مختلفى در اختيار دارند كه اين نسخ هنوز ناشناخته مانده است. من دانشگاه دهلى رفته بودم و در دانشگاه دهلى مرا بردن به يك انبارى يك انبارى بود در آن قسمت هاى پايين روى هم ريخته بود كه اينها همه كتابهاى فارسى بودند و من وقتى يك دونه از اين كتاب ها را باز كردم پشيمان شدم چون يك دفعه فروريخت يعنى در آن هواى دهلى كه شرحى است و شتاب پوسيده شدن و پژمرده شدن آثار زياد است اين كتاب ها همه فروريخت و چقدر منظومه ديدم و چقدر تذكره ديدم كه آيا حالا يك روزى كسى اينها را نجات خواهد داد؛ چند ماه پيش من پاكستان بودم و در دانشگاه لاهور و انجا رفتم و يك دو جاى ديگر كه مرا كزى بود كه كتاب هاى فارسى را نگه دارى مى كردند بعد يك كلى هم براى من توضيح دادند كه ما داريم اين نسخ را حفظ ميكنيم و مثلا ميكرو فيلم كرديم من وقتى نزديك شدم ديدم آنقدر خاك روى اينها نشسته و بعضى از اينها را وقتى باز مى كردم با اندوه فراوان از فضاي دانشگاه خارج شدم اينها الان دارند مى روند همت مى طلبد گفت همت بلند دار كه مردان روزگار از همت

بلند به جایی رسیدن، همت بلند می خواهد که بیاید و برای اینها کاری بکند و اینها را نجات دهد اینها در آستانه ی از دست رفتن هستند یک همت بزرگ پیدا شد که حالا بیاید به گونه شناسی ادبیات منظوم شیعی بپردازد و انشالله که استوار و نستوه سعی کنند این را انشالله ادامه بدهد، انشالله حمایت دوستان عزیز می مثل جناب آقای دکتر باشد که این راه ادامه پیدا کند بعد از عصر صفویه و بعد برسیم به روزگار خودمان که آنقدر با فراوانی آثار مواجه ایم شاید الان من خدمت شما بگویم و شما احیانا باورتون نشود فقط در چهل سال اخیر ما 41 میلیون جلد کتاب داشتیم کسی باورش می شود که همین مثلا سال گذشته در بعضی از مقوله ها چقدر داشتیم مثلا در جایزه جلال بیش از 4 هزار جلد کتاب فقط در یک سال مثلا هست الان سی هزار جلد کتاب تا این لحظه که من با شما دارم صحبت میکنم در حوزه ادبیات دفاع مقدس ما داریم ششصد پژوهش فقط در حوزه ی ادبیات دفاع مقدس انقلاب صورت گرفته است، خوب با اینهمه اثر مواجه هستیم و اگر تحلیل نکنیم و امروز نپردازیم همین طور در حال تولید است و ما از حوزه تولید عقب می مانیم خوب اینها با یک نفر دو نفر یا چند نفر هم صورت نمی پذیرد. بنابراین این مظلومیتی که متوجه ادبیات شیعی هست هم منشور و هم منظوم حالا خانم دکتر در حوزه ادبیات منظوم الان این سیر را دارند انجام می دهند اگر کسانی در مجموعه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پیدا شود که در حوزه ادبیات منشور شیعی هم بیایند کار بکنند بسیار بسیار اتفاق مبارکی خواهد بود.

من برای ورود به بحث اول نیاز میبینم که مسئله خود شیعه را یک تعریفی بکنیم یک مقدار این موضوع را بررسی بکنیم شیعه یک مفهوم کلی دارد و یک مفهوم خاص دارد. مفهوم کلی اش که دو بار در قرآن هم بکار برده شده به معنای هر نوع پیروی و در پی کسی افتادن و از او تبعیت کردن است. دو جا در قرآن واژه شیعه آمده است یکی در جریان حضرت ابراهیم (ع) است که آنجا در سوره ی صافات آیه 83 آمده است من تقاضایم این هست که خانم دکتر کرمی بعدا همین را مطرح کند چون بهر حال این مطالعات پیشینی می تواند صورت بگیرد و بعضی مسایل را برای ما روشن کند و بار دومی که بکار می رود در سوره قصص هست آیه ی 15 که در ماجرای حضرت موسی (ع) است حضرت موسی (ع) در حال عبور از خیابان است و میبیند دو نفر درگیر شدند یک صبطی

و یک قبطنی، صبطی ها خدا پرست بودند؛ یعنی بخشی از بنی اسرائیل که دوستاناران و پیروان حضرت موسی (ع) بودند، "آن کسی که شیعه موسی بود از موسی طلب کرد در مقابل آن کسی که دشمنش هست یاری بکند" خوب حتما ماجرای تاریخی اش را شنیدید موسی بود و یک مشت و همان یک مشت یکی زد و کارش را تموم کرد یعنی شاید اگر محمد علی کلی بود هم این اتفاق نمی افتاد که موسی رقم زد، یک ضربه زد و کار او را تمام کرد این می شود شیعه و در این مفهوم کلی شیعه هم مثبت می تواند باشد و هم منفی می تواند باشد یعنی ما شیعه منفی هم داریم دلیلش آنجاست که حضرت اباعبدالله در آخرین لحظه ها در کربلا وقتی خطاب می کند به سپاه دشمن "وای بر شما ای شیعیان خاندان ابوسفیان" در اینجا آل ابوسفیان یعنی 33 هزار نفری که در کربلا مقابل اباعبدالله هستند شیعه معرفی می شوند اما اینان شیعیان آل ابی سفیان هستند. پس شیعه می تواند مفهوم مثبت داشته باشد و منفی داشته باشد که البته در گذر زمان امروز وقتی شما می گوید شیعه دیگه شیعه خاص و مفهوم مثبتش به ذهن ما متبادر می شود. اجازه می خواهم اینجا یک چیزی را من باز کنم یک توضیحی را من در کلاس های خودم در تدریس در ادبیات در شروع همیشه یک بحثی را طرح میکنم تحت عنوان ساحت واژه و من معتقدم همیشه به اهالی ادبیات هم می گویم اگر کسی این بحث را گوش ندهد حق ورود به حوزه ادبیات ندارد و آنجا این بحث را طرح می کنم که واژه مثل انسان زیست می کند ممکن است در یک دوره ای بمیرد در یک دوره دیگر رستاخیزی اتفاق بیفتد و دوباره آن واژه زنده شود ممکنه حوزه معنایی اش عوض شود من 17 نوع شخصیت برای واژه قائلم این ها را در کلاس خودم بحث می کنم و میگویم حتما شما باید اینها را بدانید ندانید متن را نمی فهمید متن زمانی قابل فهم خواهد بود که شما این 17 بعد یا 17 ساحت واژه را بدانید الان وقت پرداختن به آن را ندارم اگر قرار باشد بگویم میگویم بعد شنیداری واژه یکی از ابعاد شخصیتی واژه است که شما باید واژه را از نظرگاه شنیداری بشناسید و ما میدانیم در تاریخ واژه ها از نظر ظاهر شنیداری تغییر پیدا می کنند مثلا فرض کنید امروز همه ی ما میگویم پروانه، خانه، دانه؛ اما اگر شما در تاجیکستان باشید یا افغانستان باشید می گویند خانه، دانه؛ یک بزرگواری این شعر معروف شیخ بهایی را حالا اشکال ندارد بگویم آقای مختاباد، آقای مختاباد از خوانندگان خوب کشورمان هست آدم بافضل و باسوادی است دکتری هم دارد. ایشان این شعر

معروف تا کی به تمنای وصال تو یگانه ... اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه، ببیند این را اینجوری می خواند اما وقتی می رسد به آخرش می گوید که خواهد به سر آید غم هجران تو یانه ... خوب این یانه به اعتبار همین خانه مثلا بهانه است، او امروزی نگاه می کند نه دیروزی یعنی آن شکل خوانش را دقت نمی کند ما وجه شنیداری واژه ها بسیار مهم است بسیاری از افراد متن را بد می شنوند. یعنی وقتی شما متن را گوش میدهید دچار ابهام هایی می شوید که ناشی از این است که در خوانش متن و در شنواندن متن دچار مشکل هستند و شما می دانید که با یک تغییر ساده در متن به حاشیه ای زیاد پردازم همه ی دوستان عزیز من استادان بنده هستند و می دانم که ما وقتی ما با متن مواجه می شویم یک عناصر زنجیره ای زبان داریم و یک عناصر زبر زنجیره ای زبان داریم منظور از عناصر زبر زنجیره ای زبان عناصری هستند که در متن دیده نمی شوند ما بر متن سوارشان می کنیم همه امروز وقتی می خواهند قصه بگویند برای بچه ها ی گویند یکی بود یکی نبود این بد شنواندن است اگر درست بگویند، باید بگویند یکی بود؟ یکی نبود؛ این درستش این بوده و شما می بینید قصه گویان ایرانی از آغاز با توحید کار داشتند یکی بود یکی نبود یعنی آن یگانه ای بوده است و چیز دیگری نیست یعنی غیر از او که یکی هست و هیچ نیست جز او وحد هو لا اله هو خوب این خیلی مهمه؛ شما دیدید که این شنواندن چقدر می تواند در یک متن با یک مکث کوتاه مکث از عناصر زبر زنجیره ای تاثیر گذار باشد. حوزه ی معنایی واژه که واژه در طول تاریخ چه معانی مختلفی به خودش می گیرد یا مثلا همین شیعیه در طول تاریخ چه معانی مختلفی به خودش گرفته است. مثلا فعل گرفت الان در فارسی 34 معنی پیدا کرده است. من باید در تاریخ بینم این واژه چه معانی متعدد و مختلفی به خودش گرفته است می گویند در عربی واژه عین 70 معنی دارد و این نمونه ها بسیار بسیار زیاد است و حوزه ذهنی واژه واژه در ذهن ها چه معنایی دارد شما می دانید گاهی یک واژه در یک ذهن کاملا منفی است و در یک نگاه دیگر کاملا ممکنه در یک ذهن دیگه به سبب، من عذر می خواهم از شما کسی را دیدم پای سفره همین که قورمه سبزی آوردند حالش بهم خورد یعنی یک ذهنیتی از این دارد خداوند در قرآن بعضی ها هستند اسم خدا را می شنوند مثل گل شکفته می شوند دل هایشان باز می شود بعضی ها هم هستند حالشان بهم می خورد یعنی ممکنه یک واژه اینقدر متفاوت باشد. وجه تاریخی واژه خیلی مهمه وجه جغرافیایی

هم مهمه ، واژه ها در جغرافیا و کارکردهای متفاوت و معانی متفاوتی دارد یعنی اینکه من دارم عرض می کنم خیلی مقدمه لازمی برای بحث هاست مثال بزنم خدمتتان که حالا خواهم گفت شیعه در خراسان یک مفهوم دارد شیعه در منطقه ترکستان و خوارزم و هرات و اینها معنای متفاوتی دارد. جغرافیا مهمه الان وقتی که شما وقتی صحبت از این می کنید که می گوید شیعه، شیعه در جغرافیای متکثر ایران آن روزگار تازه نه ایران جغرافیایی امروز ایران دیروز در جای جای مختلف چه تفاوتی پیدا می کند اگر آثار عطار را بخوانید عطار به شدت درگیر مباحث شیعه است چند جا اعلام می کند که بابا علی شیر بوده و شیر نمی تواند مظلوم واقع شود خوب معلوم می شود در آنجا یک جریانی علی را مظلوم میدانند و این هم حاصل و نتیجه آمدن حضرت رضا به آنجا است یعنی من نمی توانم منطقه ی خراسان را از حضور سال 201 حضرت رضا جدا بکنم با اینکه کل بودن حضرت رضا در منطقه ی خراسان سه سال بیشتر نیست سال 203 شهادت امام رضا است . در این سه سالی که آنجا هست یک فرهنگ شیعی راه می افتد که این فرهنگ شیعی با فرهنگ شیعی که مثلاً در منطقه یمن داریم که جریان جریان زیدیه است متفاوت می شود. یک تقسیم بندی که من یک فرصتی خدمت خانم دکتر کرمی بودم پیش از این آقای استاد جعفریان دارد یک تقسیم بندی به نظر می رسد خوبی باشد البته من آن را کامل نمی بینم اما کمک می کند به اینکه ما شیعه را بهتر و دقیق تر بفهمیم ایشان 4 نوع شیعه را معتقد است؛ شیعه اول را می گوید شیعه ی علمی و منظور از شیعه علمی کسانی هستند که معتقدند علی و خانواده اش از دیگران عالم تر بودند آنها اعلم بودند شما مقدمه ی شرح نهج البلاغه ابن ابلحذیق را که بخوانید به این نکته می پردازند و سپاس خدای را که مفضل را بر فاضل برتری داد مصداق بارز این قصه شهرستانی است المنل نهل ، المنل نهل را دوستان بخوانند ایشان هم در آنجا علی را بر دیگر خلفا از نظر علمی برتری می دهد واگر به بخشی از استدلال های ناصر خسرو به عنوان شاعری که ما او را شاعر شیعی می دانیم که البته خوب می دانیم ایشان اسماعیلی بوده است و خوب تحت تاثیر شیعیان فاطمی بوده است در مصر؛ اگر بررسی بکنیم در سروده های خودش بارهای بار به علم علوی اشاره می کند و به علم اهل بیت می پردازد، این یک نوع شیعه است؛ شیعه دوم شیعه ی سیاسی است؛ شیعه سیاسی کسانی هستند که معتقدند علی (ع) و خانواده اش از نظر قدرت مدیریت در حکومت و سیاست مدار

بودن بر خلفا برتری دارند این به مفهوم نفی خلفا نیست خلفا را می پذیرند ولی می گویند علی نسبت به آنها از نظرگاه قدرت مدیریت و حکومت توانا تر بوده و استدلال هایی هم برای این موضوع مطرح می کنند، زیدیه در این جریان قرار می گیرد که حتما می دانید که زیدیه معتقد به قیام به صیفا بوده اند معتقد بودند فقط کسی امام است که قیام به شمشیر کرده است این هست که تا امام سجاد می آیند و تا همین جا متوقف می شوند خود تحلیل و بررسی جریان زیدیه و بعد هم ایرانیانی که در یمن بودند خودش یم موضوع قابل توجهی است من در آخرین تحلیل ها و بررسی هایم که یک عمر هست در حوزه عاشورا کار می کنم متوجه شدم که دو نفر از کسانی که از منطقه یمن آمده بودند و به حضرت اباعبدالله پیوستند ایرانی بودند و این یک نکته قابل توجهی است که خود مثلا پیامبر هم بنلاحرار می گفتند مردم یمن را و به خصوص ایرانیان را که بهش می گفتند بنل فارس یا بنل فورس یا به آنها می گفتند بنلاحرار که منظور ایرانیان بوده که این نکته ی مهم و قابل اعتنا و توجهی است. سومین شکل شیعه ی را که مطرح فرمودند استاد جعفریان همین شیعه حب اهل بیت است که تکیه گاهم این است که چون خداوند در قرآن از زبان پیغمبر فرمودند "قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى" من هیچ پاداشی از شما نمی خواهم اما چه پاداش بزرگی هم خواسته لذا به ظاهر می گوید پاداش نخواستم "قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى" خود مودت چقدر خواسته ی بزرگی است و کم اتفاق می افتد چون مودت به معنای هم گره خوردگی درونی است و هم تجلی آن در بیرون؛ یعنی حتما باید یک کارکرد بیرونی داشته باشد این محبتی که من در خودم دارم این فراتر از محبت می شود. شیعه حب اهل بیت بسیاری از اهالی ادبیات به یک خطای بسیار بزرگی دچار شدند و آن هم این است که در آثار هر شاعری دیدند که ائمه را ستوده است گفتند شیعه است و آن را به معنای چهارمی که بعدا خواهم گفت و آن هم شیعه اعتقادی است؛ بسیاری از شاعران را همین عطار را شما بخوانید در مقدمه آثار خودش همه ی ائمه را نام می برد و آنها را می ستاید و امام هم معرفی می کند ولی عطار شیعه نیست مگر او را شیعه حب اهل بیت بنامیم اما بنا باشد شیعه اعتقادی باشد آن شیعه شیعه ای خواهد بود که مرجع را علی قرار می دهد پس شیعه ی اعتقادی شیعه ای است که حالا اصل شیعه مفهومش این هست مرجع علی است و علی اولین امام است و اولین خلیفه و اگر ابهامی پیش آمد که با علی حل نشد به امام

صادق مراجعه می کنیم این می شود شیعه اعتقادی و شیعه در فرهنگ اعتقادی ما به این معنا هست این را من عرض کردم به عنوان یک مقدمه ی مهم و کلیدی و اساسی که باید بهش توجه بکنیم اما نکته دومی که حالا باید مطرح بکنیم من به عنوان خیلی توجه می کنم عنوان خیلی مهم است چون عنوان مدخل کتاب است و تصویر کلی کتاب را به ما باز میگوید من خودم در کلاس های خودم به دانشجویان که عنوانی را انتخاب می کنند می گویم بروید از روی آن بیست بار بنویسید تا بدانید می خواهید چکار کنید. یعنی وقتی من می گویم گونه شناسی باید بدانم گونه چی هست و باید حتما من الان وقتی برگ می زنم در این کتاب تعریف روشنی از گونه پیش روی خودم بینم که اگر یک وقت معادل دیگری مثل نوع به کار بردم من مثلا از خانم دکتر کرمی سؤال می کنم آیا گونه همان نوع است؟ یا اینها با همدیگر فرق می کنند؟ چون می دانید یکی از مسائلی که اتفاق می افتد این است واژه ها وقتی ترجمه می شوند کم کم گستره ی معنایی شان عوض می شود. ما باید واژه را بشناسیم و آن 17 تای واژه را باید بدانیم اگر ندانیم ناکام خواهیم بود در تحلیل؛ حالا که این را رسیدیم در متن این کتاب گونه شناسی ادبیات منظوم شیعی از آغاز شروع شده یعنی از قرون چندم؟ قرون مثلا سوم چهارم، من به ذهنم می رسد آیا ادبیات منظوم شیعی وقتی می گویم قبل از عصر صفوی یعنی معلوم هست در ایران را داریم بررسی می کنیم؛ آیا از آن آغاز شعر شیعی فقط فارسی است؟ یا شعر عربی ایرانی هم داریم که شیعی هستند؟ سال 40 هجری ما یک کتابی داریم به اسم تاریخ سیستان نویسنده اش هم معلوم نیست در کتاب تاریخ سیستان سال 41 هجری یعنی دقیقا بعد از شهادت حضرت علی یک کسی در سیستان حکومت می کند به عبادبن زیاد، برادر عبید الله زیاد؛ مرد سیستان و بلوچستان قیام میکنند و این شخص را بیرون می کنند او با شخصیت هزار درهم می گریزد و می رود و عبید الله دو تا برادر دیگرش را می فرستد در این موقعیت ما یک شاعر داریم شاعری داریم به اسم یزید ابن مفرح، من خواستم خواهش بکنم این شخصیت را یک مقدار دنبال بکنید؛ این شاعر شاعری است که امام حسین در حرکت خودش به سمت کربلا به شعر او استناد می کند این شخصیت همان هست که هجو می کند عبدالله زیاد را و از ائمه دفاع می کند در ایران هست بعدا دستگیرش می کنند می برند بصره و عبدالله زیاد برای اینکه تحقیرش کند ریسمان یک گربه و میمون را به گردنش می بندد و یک ترکیب خاصی را به او می خوراند که

مسموم است و باعث اسهال او می شود و وقتی او را در کوچه های بصره می چرخانند کودکان ایرانی در پی او می دوند و یک شعری می خوانند و بسیاری معتقدند اولین سروده فارسی این است، "آب است نیبذ است عصارات زیب است سمیه رو سپید است" شعری که کودکان ایرانی در بصره می خواندند، خوب معلوم هست آن زمان ایرانیان زیادی مستقر بودند در بصره، حالا او را دستگیر می کنند در زندان می برند سروده هایی دارد بعد چون خیلی آلوده شده به سبب اینکه این اتفاق برایش افتاده دستور می دهد عبیدالله زیاد ببرنش حمام که اونجا هم شعری می گوید که من الان پاک شدم اما آنچه برای تو گفتم به این سادگی پاک نخواهد شد و اینها در تاریخ می ماند این سروده ها یعنی ما از حدود قرن اول در ایران شاعر شیعی داریم، که اینها عربی می گویند یعنی اگر اینجا ما می گوئیم گونه شناسی ادبیات منظوم شیعی قبل از عصر صفوی آیا ما به شعر شیعی عربی توجه داشتیم؟ یا نه؟ این را در این مجموعه ما نمی یابیم نمی بینیم و به نظر می رسد که خانم دکتر می توانند بعدا بازخوانی بازنگری اینقدر دقیق دیدند اینقدر خوب دیدند اینقدر تقسیم بندی های شیرین و دقیق و درستی اینجا صورت گرفته است پی یک نکته های دیگر هم هست که من انشالله در مجال بعدی طرح خواهم کرد به گمان من شما باید یک تعداد سؤال را اول به شیوه ای که معمولا در کارهای پژوهشی هم هست مطرح می کردید یک چندتا پرسش محوری می توانستید پیش خودتان داشته باشید اینکه مثلا شعر شیعی چیست؟ جغرافیای شعر شیعی کجاست؟ شعر شیعی چه تاریخی دارد؟ ابعاد و اضلاع شعر شیعی چیست؟ شعر شیعی چه سیر تحول و تطوری داشته است؟ اگر تحول و تطوری اتفاق افتاده این تحول و تطور چیست؟ عناصر شعر شیعی چیست؟ یا به عبارت دیگر جلوه های شعر چی هست؟ اگر مثلا من قرار باشد سه تا جلوه ی اساسی را در شیعه ببینیم یکیش غدیر است دوم عاشورا است و سوم موعود. می تواند یک تعداد پرسش مطرح کرد و خود را ملزم دانست که این سؤالات را حتما پاسخ دهیم. چه بسا این یک نگاه دیگر بازنگری که نه بازنگاری احتمالا نیاز داشته باشد که احتمالا می شود در آینده پرداخت و من تردید ندارم شما می توانید این کار را بکنید. قطعا تایید روح القدسی برای شما خواهد بود و این کمک خواهد بود و یک خادم هم خواهید داشتید که آن من هستم.

آقای دکتر شجاعی:

بسان یک کلاس حضوری بسیار استفاده کردم و لطفا در فرصتی 17 ویژگی واژه را بفرمائید. خود بنده هم حاضریم بیایم و اینها را مکتوب کنیم و یک صورت بندی خوبی شود خیلی نکات دقیقی را در مورد فرم کار در مورد روش شناسی کار ساختار کار و مباحث نظری فرمودند نکات جدیدی که ما شنیدیم خصوصا آن تعبیری که در مورد حضرت مولا علی (ع) قاتل حمزه بکار برده این نشان می دهد شناخت چقدر عمیق بوده است.

پاسخ خانم دکتر کرمی :

بسم الله الرحمن الرحيم سلام مجدد خدمت مهمانان عزیز و خوشامد گویی

خیلی ممنونم جناب دکتر سنگری استفاده کردم واقعا نکاتی خوبی بود ولی چند نکته را باید عرض کنم در مورد اینکه فرموده بودند کتاب باید چند پرسش محوری مطرح میشد که شعر شیعی چی هست جغرافیای شعر شیعی تاریخش و چه سیر تحول تاریخی را طی کرده خدمتان عرض کنم که در بخش مقدمه کتاب از آنجا که رساله ی دکتری من بود در بخش مقدمه کتاب دقیقا همین سوالات در صفحه 13 تا صفحه 25 مطرح شده است من سعی کردم یک مقدمه ی کاملی بگذارم یعنی پرسش های تحقیق را به طور کامل آوردم و نتایج هر پرسش را هم حالا آن پرسش بعد از اینکه من تحقیق کردم سوالم درست بود یا نادرست بود نتیجه دارد یا ندارد نوشتم و در نهایت هم نتیجه هر فصل را بیان کردم. در مورد اینکه جغرافیای شعر شیعی دقیقا یکی از سوالات من بود که اگر شعر شیعی را از بعد گونه شناسی بررسی کنی چه دستاوردهایی خواهی داشت دقیقا در فصل دستاوردهای ان بخش اشاره کردم ما به دستاورد اطلاعات تاریخی، جغرافیایی گونه ها می رسیم و متوجه شدیم که مثلا گونه ی ولایت نامه که مبتنی بر کرامات و معجزات حضرت علی (ع) هست و مربوط به منطقه تون سبزوار و نیشابور هست یعنی منطقه خراسان بزرگ، اما اشعاری که مبتنی بر فقه کلام اصول احادیث و آیات قرآنی هستند یعنی اشعار مبتنی بر آیات هستند مربوط به منطقه ی ری هستند ری مرکز تشیع بوده است این مشخص شده بود یعنی تقریبا تمام سوالات در مقدمه پاسخ داده شد. مناطق اصلی شعر شیعه منطقه ورامین و ری و خراسان بزرگ بودند که هر کدام از

آنها نوع اشعار متفاوت بود. گفتمان غالب هر منطقه به این صورت بود در مورد تحول و اصلا شکل گیری گونه ها یکی از سؤالات اصلی من بوده و در همین مقدمه پاسخ داده شده برای نمونه من خدمتان عرض می کنم لعن نامه قبل از عهد صفوی شکل می گیرد و لعن نامه قبل از عصر صفوی تعدادش بیشتر از عصر صفوی است چرا چون وقتی من در لعن می کنم در زمانی است که من عاجز هستم وقتی به من ظلم می شود و دستم به جایی نمی رسد می گویم خدا لعنتت کند اما وقتی من در قدرت قرار دارم چه کسی را می خواهم لعن کنم . یا ولایت نامه ها مثلا من گونه ولایت نامه ها قبل از عصر صفوی مبتنی بر کرامات و معجزات و باز هم به زبان ساده و تعلیمی و بیشتر حالت دعوتی است. اما همین ولایت نامه را من یک مقاله ای نوشتم فارغ نامه را در تمام کتاب ها به عنوان حماسه مذهبی معرفی کرده بودند حماسه مذهبی من این را خواندم دیدم نه این ولایت نامه است چون قبل از عصر صفوی معرفی نشده بود همه فکر می کردند این چون زبانش حماسی است پس حماسه است، اما چرا حماسه شده چون دیگه شاعر در حضيض نیست شاعر اعصابش آروم است و شرایط بر وفق مراد است حالا دارد به زبان حماسه رجز می خواند، حالت محکم استوار حالت ضعف ندارد در نتیجه زبانش رجز گونه می شود می شود ولایت نامه با وجه حماسی. تمام این تغییر ها مشخص شد مثلا سلام نامه ها صلوا نامه ها قبل از عصر صفوی دیده می شوند چرا چون که این شعر مناقب خوان بودند می رفتند کوی و برزن می خواندند و سعی از قالب های آهنگین هم استفاده بکنند مثل ترکیب بند ترجیع بند که حالا در آن ترجیع بند اون بندی که می خواهند تکرار بکنند می آیند می گویند صل الا آل محمد این را مرتب تکرار می کنند تو گوش مردم بماند و ... ولی بعد از عهد صفوی سلام نامه را داریم اما صلوا نامه را نداریم چرا سلام نامه را داریم چون در عصر صفویه شاهان صفوی می گویند فضا را باز می کنند و می گویند مردم به زیارت بیایید وقتی مردم می خواهند بروند زیارت اولین چیزی که می گویند السلام علیک این شعر سلام نامه رشد می کند چون زائر زیاد می شود زیارت زیاد می شود اما صلوا نامه کمتر دیده می شود تنها سه تا پیدا کردم . تمام این نکته ها در مقدمه بیان شده و دقیقا پرسش محور بوده است. در مورد نوع و گونه فرمودید آیا تعریفی دارید؟ بله دقیقا در صفحه ی 144 نظریه پردازان درباره تعریف گونه ی ادبی و نوع ادبی و ویژگی های آن سخن گفتند منظور از واژه ی گونه ی ادبی در

این کتاب همان نوع ادبی است حالا به چه کسی من ارجاع دادم به نظریه ی آقای قاسمی پور ارجاع دادم. آقای قاسمی پور ایشان به هیچ تفاوتی میان نوع و گونه قائل نمی شود هرچند یکی از اساتید خودمان در دانشگاه تربیت مدرس ایشان قائل به تفاوت هستند ولی دیگر اجماع برای نظریه آقای قاسمی پور قرار گرفت. آقای قاسمی پور یک مقاله ای نوشتن "نوع یا گونه" و وجه در برابر گونه اینها را بیان کردند و ما بر اساس مقاله ایشان این را انتخاب کردیم. در مورد عنوان بله شاید این کوتاهی باشد که عنوان ما شاید شما می فرمایید که شعر عربی را ندارد ولی در مقدمه هم بیان شد که بازه زمانی و مکانی که کار میشود شعر فارسی است یعنی مشخص می شود شعر شیعی به عنوان بخشی از شعر فارسی که در مقدمه هم دقیقاً بیان شده است. شعر فارسی به عنوان بخشی از شعر شیعی پس دیگر شعر عربی را شامل نمی شود هر چند شاید در عنوان نتوانستم این را بیان کنم. مسئله مهم دیگر اینکه در تقسیم بندی که انجام دادیم شیعه زیدیه اسماعیلیه شیعه جعفری شیعه غلات شیعه ای هستند که امام علی (ع) را تا مرحله ای خدایی می رسانند یک نمونه داریم آن هم میر مختوم نیشابوری در کنار اینها شعرایی را داریم که مدح امام علی (ع) و خلفای سه گانه را دارند مثل عطار مثل سنایی به اینها می گوئیم محب اهل تسنن. این عبارت را از جناب جعفریان استخراج کردم بعد یادم آمد که این را هم به نتیجه رسیدیم با خانم دکتر پارساپور و اساتید دیگر. آنچه که من خودم از آقای رسول جعفریان استنباط کردم در کتاب تاریخ شان آورده بودند سنی 12 امام بود، سنی 12 امام چه زمانی شکل گرفت در قرن هفتم و هشتم شکل گرفت. سنی 12 امامی یعنی امام علی (ع) و 14 معصوم را قبول دارد و برای 14 معصوم شعر سراییده و دانه دانه امام حسن، امام حسین تا امام زمان شعر می گوید اما خلفای سه گانه را هم مدح می کند. این چه زمانی شکل گرفته است؟ از نظر تاریخی زمانی وقتی شکل گرفته که شیعه قدرت پیدا کرده در قرن هفتم و هشتم به خاطر اینکه مغولان و تیموریان بر ایران حاکم شدند دیگه برای آنها فرقی بین اهل تسنن و تشیع نداشت وزای شیعی وارد دربار شدند یک مقدار شیعه راحت شد آن فشار اهل تسنن را نداشت غلبه کرد رشد کرد آمد بالا حالا یکی از بزار تبلیغ و تحریک مردم شعرا بودند این شعرها را می خوانند، امام علی را معرفی می کردند وقتی اینها آشنا می شدند محبت شان بیشتر می شد این نه سنی می ماندند و نه شیعه ای که ما اکنون هستیم، می شدند سنی 12 امامی. آقای دکتر رسول جعفریان این

را در کتاب عینا بیان می کنند و بر اساس توضیح ایشان بود که من شعرا را پیدا کردم یعنی من خودم نمی دانستم ایشان گفتند پس این را دقیقا از آقای جعفریان دیدم و بیان کردم.

آقای دکتر سنگری : اگر این را گسسته از تاریخ بررسی کنید حتما به خطا می افتید تو این دوره سلطان محمود غزنوی بر اساس آنچه در تاریخ بیهقی هست چه می کند نوشته است که "انگشت در جهان کرده است و قرمطی می جوید " قرمطی کیه ؟ قرمطی ها اسماعیلی هستند شیعه ی اسماعیلیه هستند اینها را در به در می کردند و بعد درست در این زمانه در منطقه ی ری خیلی خوبه که اینها، خانم دکتر بعضی از مسائل را گاهی وقتها آدم وقتی بیان می کند می شود گفت کاش اینها را هم می آورد در اثر، بعضی از این حرف ها نیامده است، من وقتی فرخی سیستانی را می خواندم و این حرف ها را جای دیگر نمی زدم و نباید هم بزنیم فرخی سیستانی یکی از کسانی است که مشوق شیعه کشی است بارها به سلطان محمود می گوید که چرا می روی هند بیا بروی آنجا دار بر پا کن شیعه ای را که می کشی پایین شیعه بعدی را بکش بالا، در این روزگار کسانی که در مقابل سلطان محمود هستند شیعه نه به معنای شیعه ی محب اهل بیت اند بعضی از اینها شیعه به معنای یکی از این حوزه های اعتقادی است یا اسماعیلیه هستند یا احيانا ممکنه زیدیه باشند یا نه واقعا شیعه در مفهوم شیعه ی امروزی هستند برای فردوسی من حتما خواهش می کنم کتاب بوسه بر خاک پی حیدر را بخوانید خاک پی حیدر از مرحوم ابوالحسنی است که خیلی خوب آنجا این موضوع را استدلال کرده، عطار را شاعر محب اهل بیت باید بدانیم سنایی را نظامی اینجا می تواند قرار بگیرد ولی واقعا فردوسی کاملا قرینه هایی وجود دارد مولانا که سنی است در این شکی نیست شما می دانید خلفا را می ستاید و اسم می برد و حتی معاویه را ، شما جلد دوم مثنوی معنوی مولانا را بخوانید چقدر معاویه ستایی کرده در آنجا؛ شعر معروف کجایین ای شهیدان خدایی من فهمیدم این اصلا شعر عاشورایی نیست این دارد عارفان را می ستاید و اصلا ربطی به عاشورا ندارد.